

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۶۹ پنجشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۸، ۵ مارس ۲۰۲۰

مصطفی هجری: این موفقیت پیروztان باد



«مصطفی هجری»، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت «بایکوت» موفق از سوی مردم کوردستان، به عموم مردم کوردستان تبریک گفت.

متن پیام بدین شرح است:

ملت آزادبخواه و آگاه کوردستان!

همانگونه که انتظار می‌رفت، با صدای رسا و اراده پولادین جادوی انتخابات نمایشی رژیم را خنثی نمودید.

شما در این مبارزه پیروز گشتید و زهر شکستی دیگر را به رژیم چشاندید.

این موفقیت پیروztان باد

سپاس از شجاعت شما

سوم اسفندماه ۱۳۹۸ خورشیدی

www.kurdistanmedia.com



ایران و ترکیه گرفتار در
ویتنام خاورمیانه

۸



سایه کرونا
بر اقتصاد ایران

۷



آیا دموکراتیک شدن
راحت است؟

۶



کویd ۱۹

۵

کرونا و سوءاستفاده رژیم ایران

سخن

ویرانی
در اوج فساد

کریم پرویزی

سیستم استعمارگری حاکم بر ایران، در برابر بیماری ویرانگر کرونا، نه تنها به یاری مردم نشناخته و شبکه بهداشت مجهزی احداث نموده که به داد مردم برسد، بلکه خود به منشا انتقال این بیماری مبدل گشته و با تصمیمات قرون وسطایی و ضد بشری خود هم از طریق ماهان ایر کرونا را به ایران وارد کرده و هم از راه قرنطینه نکردن قم، این ویروس را در همه ایران منتشر نمود. اینک سراسر ایران را کرونا در بر گرفته و تمامیت جامعه ایران در برابر تهدید کرونا قرار دارند و اجتماع خود به مقابله با این بیماری به پا خواسته است. رژیم تنها در حال محافظت از افراد نزدیک و مسئولان خود بوده و سپاه پاسداران نیز مافیای فساد به راه انداخته تا وسایل بهداشتی و ضدعفونی تقلبی به مردم قالب نماید! اکنون تمام جامعه ایران با تهدید کرونا روبرو بوده و هیچ امیدی به سیستم بهداشت حکومت نداشته و خود در تلاش برای نجات جان خویش هستند. در این اوضاع که افکار عمومی در ایران به کرونا مشغول گشته، جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف در حال فساد است که بعد از گذر از ویروس کرونا نیز جامعه ایران آسودگی به خود نخواهد دید. در این ایام، بدلیل آنکه رژیم شروط بین‌المللی را نپذیرفت، ایران به لیست سیاه سیستم جهانی مبارزه با پولشویی اضافه و اتخاذ این تصمیم، اقتصاد و بازرگانی ایران را هرچه بیشتر نابود خواهد نمود. آژانس انرژی هسته‌ای در آخرین گزارش خود اعلام کرد که جمهوری اسلامی به سرعت در حال ذخیره‌سازی اورانیوم بوده و سه سایت هسته‌ای مخفیانه دارد که اجازه دسترسی به این سایتها را به آژانس نداده است! در حالی که رژیم ایران هم پرواز هواپیماهای ماهان ایر به چین را متوقف نکرده و مداوم مشغول نقل و انتقال وسایل نامعلوم است و در همان حال نیز



دادند. آنچه که امروز در ایران شاهد آن هستیم حقیقتی تلخ است که می‌شود آن را در چهارچوب ضد‌مردمی و ضد انسانی‌بودن رژیم تعریف کرد و بس! اثبات این حقیقت اعتراف "مسعود پزشکیان" است که می‌گوید: "آمارهای منتشرشده صحت ندارند!". ما کرونا را به شوخی گرفته بودیم و باید هوشیارانه اقدام می‌کردیم! همچنین گفته است آنچه که وزارت بهداشت در خصوص انتشار آمار مبتلایان به کرونا اعلام می‌کند دور از حقیقت است و باید شهرها با نیروی نظامی قرنطینه شوند! رژیم اسلامی ایران باعث شده است که حتی کشورهای همسایه ایران با مردمان واحد سیاسی - جغرافیایی ایران با شیوهای طنزآمیز گفتگو کنند. وزیر بهداشت ترکیه در تازه‌ترین مصاحبه خود اذعان داشته است که ابتدا ما به ایران پیشنهاد قرنطینه‌کردن قم را داده بودیم. در جواب ما گفتند که نیازی به این کار نیست. اما اکنون که دچار مشکل اساسی شده‌اند خواستار همکاری ما هستند! ما هم در جواب گفته‌ایم: "آمدن ما به ایران یا آمدن شما به ترکیه الزامی نیست از طریق اسکایپ هم می‌شود گفتگو کرد.

صاحبان مشاغل شهرهایی مانند سقز و مریوان و جوانرود تنها برای جلوگیری از شیوع بیشتر کرونا مغازه و بازار را تعطیل کرده‌اند. بعد دیگر این واقعیت اینست که زمانی که مردم می‌دانند که رژیم آماده نیست همانگونه که ضروری است برای مقابله با این بیماری آماده‌سازی کند و لوازم ضروری محافظت از خود را در اختیار آنان قرار دهد، خود مانند وظیفه اخلاقی و انسان‌محورانه مشغول پخش وسایل بهداشتی مانند "ماسک و دستکش" هستند و به شیوه خودجوش و داوطلبانه و بدون چشمداشت اقدام به تقسیم آنان کرده‌اند. این نیز نشان دهنده این واقعیت است که مردم هیچ امیدی به به حکومت و مراکز آن ندارند و آگاهند که اگر در انتظار همکاری و راهنمایی رژیم و ارگان‌های مرتبط آن باشند سرنوشت آنان نیز به مانند افرادی خواهد شد که دیگر امروز وجود خارجی ندارند! در این بین نباید این را فراموش کرد که رژیم در اوج بی‌شرمی و درحالی که مردم مشغول مقابله با بیماری‌ای چنان کشنده هستند، از وضعیت سوءاستفاده "بزاری" کرده و مشغول تحمیل مجازات سنگین علیه معترضان آنان ماه است که بدلیل ناکارآمدی و بی‌کفایتی سران رژیم به خیابان آمده و علیه این رژیم شعار سر

مجلس گفت: "۴۱ درصد از افراد مبتلا به ویروس کرونا بعد از مراجعه به مراکز درمانی دچار بیماری شده‌اند، این به معنای آنست که هیچکدام از مراکز درمانی در ایران دارای استاندارد لازم برای مقابله با ویروس کرونا نیستند و در واقعیت به کانون انتشار این ویروس مبدل گشته‌اند! این‌ها خود نشان‌دهنده آنست که رژیم در برابر این وضعیت بحرانی نه تنها هیچ برنامه‌ای ندارد بلکه عمداً در کوردستان در تلاش برای همه‌گیر کردن این بیماری است! نمونه بارز این اقدام ننگین نیز فرستادن جمعی از مهره‌های مزدور خود از قم (نخستین مرکز شیوع کرونا) به شهرهای کوردستان است. حقیقت دارد که ترس خود یکی از عوامل ابتلای بیشتر به کروناست اما جمهوری اسلامی از این نیز بعنوان حربه‌ای کثیف استفاده می‌کند و در تلاش است تا وضعیت را عادی نشان دهد تا افراد بیشتری به این ویروس مسری مبتلا شوند. آنچه که جای امیدواری است، اینست که مردم بویژه در کوردستان هیچ اعتمادی به رژیم و سخنان به اصطلاح مسئولان این رژیم نداشته و خود در تلاش برای محافظت از خود هستند، زیرا می‌دانند که در کشور گمراه شده ایران تنها خودشان می‌توانند به داد خویش برسند. در همین ارتباط بخش قابل توجهی از

خطرناک نیست و نباید مردم را ترساند. در بیمارستان بوکان برای نخستین بار که بیمار مشکوک به کرونا در آن بستری شد، دست بکار شده و اینک بخشی بعنوان قرنطینه تعیین شده که ۷ بیمار در آن نگهداری می‌شوند. کادر بخش قرنطینه با کمترین خدمتگزاری مشغول پرستاری از این بیماران می‌باشند و با خطرات جدی مواجه هستند. همزمان بدلیل کمبود منابع مالی، بیمارستان بوکان از خیرخواهان درخواست کمک کرده است. دربوکان رژیم درصدد است تا بخش قابل توجهی از پرستاران این شهرستان را به شهرهای شمال ایران انتقال دهد". همان منبع موثق در گزارشی دیگر گفته که "بیمارستان‌های ایران وسایل لازم برای مقابله با ویروس کرونا را ندارند و پرسنل بیمارستان‌ها در وضعیت وخیم پزشکی مشغول بکار هستند و این تهدیدی جدی علیه سلامت آنان است. براساس گزارشات، کمبود خدمتگزاری در حدی است که در بیمارستان‌ها حتی ماسک N95 نیز وجود ندارد و به جای ماسک عادی از پارچه برای ساخت ماسک استفاده کرده‌اند. اما برای آنکه میزان اضافه‌کاری و هزینه‌های بیمارستان افزایش نیابد، مسئولان آماده اضافه نمودن پرستار در هیچ بخشی نیستند". در همین ارتباط، جانشین رئیس کمیسیون بهداشت

در این ایام که موج ویروس مسری "کرونا" در ایران و بویژه در کوردستان ایران به مبحثی کلی مبدل گشته که ضمن آنکه مردم را به وحشت انداخته، وضعیتی ناآمن خلق کرده است. وضعیتی پر از اضطراب که می‌توان منشأ و دلیل اصلی آن را به رژیم تحریف‌کار تهران مرتبط دانست که نه تنها در هنگام ورود و شیوع کرونا دروغ و فریب‌کاری در پیش گرفته، بلکه اکنون نیز بعد از گذشت دو ماه آماده نیست که وضعیت قرمز اعلام بدارد و آمار دقیقی در مورد میزان ابتلا، مرگ و میر و دیگر اطلاعات این بیماری را منتشر نماید. آنچه نیز تاکنون بعنوان آمار ارائه می‌گردد، اطلاعاتی مختصر و غیر رسمی می‌باشد که افرادی از روی دلسوزی و برای آنکه عمق بحران را به افکار عمومی نشان دهند، ارائه می‌دهند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود؛ وب سایت کوردستان میدیا در گزارشی در تاریخ ۱۴ اسفند ماه، نوشت: "در نخستین روز در ایران که بصورت رسمی شیوع ویروس کرونا اعلام شد، مسئولان بیمارستان بوکان از جمله دکتر "م.ی"، "د.ا" و "ن.م" با تهدید، اجازه استفاده از ماسک را به پرستاران این بیمارستان نداده‌اند. مسئولان این بیمارستان گفته‌اند که نباید از ماسک استفاده نمایند چونکه کرونا

پیام "مصطفی هجری" خطاب به مردم زلزله‌زده «خوی»



کمکی به مردم نمی‌رسد. ما نیز از وقوع این حادثه متأسفیم، به خانواده درگذشتگان تسلیت گفته و امیدواریم زخمی‌شدگان در اسرع وقت بهبودی خود را بدست آورند.

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران مصطفی هجری
۶ اسفند ۱۳۹۸ خورشیدی

هزاران تن ویران گشته و بیش از ۱۰۰ تن زخمی گشته و در بخش کوردستان ترکیه نیز ۹ تن جان خود را از دست داده‌اند. این واقعه غمناک زخمی عمیق بر پیکر زخمی کوردستان بوده و باعث غم و اندوه همگان گشت. اینک خانواده‌های حادثه دیده در انتظار هرگونه کمک هموطنان خود هستند؛ برای آنکه در این سرما و یخندان با واقعای دیگر روبرو نشوند، زیرا هیچ شکی نیست که از سوی رژیم ایران هیچگونه

"مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در پیامی خطاب به مردم زلزله‌زده خوی، ضمن تسلیت به خانواده درگذشتگان، از مردم خواست که به کمک مردم این منطقه بشتابند. حادثه‌دیدگان زلزله چند روز قبل در کوردستان ایران و ترکیه، بار دیگر صبح و عصر روز یکشنبه ۴ اسفند ماه با چند زلزله دیگر روبرو شده و در نتیجه در این زمستان سرد و یخندان، منازل و محل سکونت

تبریک "مصطفی هجری" به "بافل طالبانی"



دوستانه و صمیمانه به جلو گام بردارد.

سپاس و احترام فراوان حزب دمکرات کوردستان ایران مسئول اجرایی مصطفی هجری
۳۰ بهمن ۱۳۹۸ خورشیدی
۱۹ فوریه ۲۰۱۹ میلادی

که بر عهده شما گذاشته شده، در پیشبرد وضعیت کورد و آشتی و اتحاد در کوردستان عراق و همه بخش‌های دیگر کوردستان کمک حال و تاثیر گذار باشید. همچنین انتظار داریم که روابط حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کوردستان در این مرحله تازه، به رهبری جنابعالی در فضایی

"مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، انتخاب "بافل طالبانی" بعنوان ریاست مشترک اتحادیه میهنی کوردستان را به نامبرده تبریک گفت.

متن پیام بدین شرح است:

جناب آقای بافل طالبانی

ریاست مشترک اتحادیه میهنی کوردستان

با درودی صمیمانه!

انتخاب جنابعالی را بعنوان ریاست مشترک اتحادیه میهنی کوردستان از جانب خود و رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران تبریک عرض نموده و امیدوارم که در راه این مسئولت بزرگی

تبریک "مصطفی هجری" به "لاهور شیخ جنگی"



دوستانه و صمیمانه به جلو گام بردارد.

سپاس و احترام فراوان حزب دمکرات کوردستان ایران مسئول اجرایی مصطفی هجری
۳۰ بهمن ۱۳۹۸ خورشیدی
۱۹ فوریه ۲۰۱۹ میلادی

خطیری که بر عهده شما گذاشته شده، در پیشبرد وضعیت کورد و آشتی و اتحاد در کوردستان عراق و همه بخش‌های دیگر کوردستان کمک حال و تاثیر گذار باشید. همچنین انتظار داریم که روابط حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کوردستان در این مرحله تازه، به رهبری جنابعالی در فضایی

"مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، انتخاب "لاهور شیخ جنگی" بعنوان ریاست مشترک اتحادیه میهنی کوردستان را به نامبرده تبریک گفت.

متن پیام بدین شرح است:

جناب آقای لاهور شیخ جنگی

ریاست مشترک اتحادیه میهنی کوردستان

با درودی صمیمانه!

انتخاب جنابعالی را بعنوان ریاست مشترک اتحادیه میهنی کوردستان از جانب خود و رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران به شما تبریک عرض نموده و امیدوارم که در راه این مسئولت

پیام تقدیر مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران به توده‌های مردم کوردستان و ایران



ناکامی مواجه شده است. نمایش به اصطلاح انتخابات روز جمعه ۲ اسفندماه ۱۳۹۸ خورشیدی آزمون دیگری از کشمکش و رویارویی حکومتی متمدن و خودکامه از یک سو و توده‌های به‌جان آمده‌ی مردم ایران و کوردستان از سوی دیگر بود که نتیجه‌ی آن شکست و رسوایی رژیم در انظار جامعه‌ی بین‌المللی و توده‌های مردم داخل کشور بود. موضعگیری برحق و شجاعانه‌ی این بار مردم، در تداوم و راستای مراحل مختلف مبارزات و تلاشهای گذشته به‌ویژه خیزشهای خونین آبانماه و

توده‌های مردم آزادیخواه ایران مردم شریف کوردستان احزاب و نیروهای سیاسی مبارز یک بار دیگر موضعگیری شجاعانه‌ی شما در برابر دسیسه‌ها و خیمه شب بازیهای جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای حماسی و مبارزاتی مشترک آفرید و به جهانیان ثابت نمود که رعب و هراس از خفقان رژیم فرو ریخته و جمهوری اسلامی بیش از گذشته در کسب مشروعیت و پایگاه سیاسی و مردمی با شکست و

بقا و ماندگاری حکومت منحوس خویش است و همچنان که در گذشته نیز به اثبات رسیده، نه می‌خواهد و نه می‌تواند تأمین کننده‌ی حقوق و آزادیهای آنان و فرزندان‌شان و نسلهای آینده‌ی آنان باشد و تنها راه دستیابی به تمامی حقوقشان مشارکت در تلاشها و مبارزات ملیت‌های ایران و مردم کوردستان برای رهایی و آزادی و بنیان نهادن سیستمی است که تنها با عبور از جمهوری اسلامی امکان استقرار و تشکیل آن فراهم می‌شود.

دروء پر اراده‌ی انقلابیتان زنده باد اتحاد مبارزاتی ملیت‌های ایران سرنگون باد رژیم واپسگرای ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران مرکز همکاری احزاب سیاسی کوردستان ایران
۳ اسفند ۱۳۹۸ خورشیدی
۲۲ فوریه‌ی ۲۰۲۰ میلادی

احزاب سیاسی کوردستان ایران خود را متعهد و موظف میدانیم که در خاتمه یکبار دیگر ضمن تبریک به مناسبت این پیروزی، دستان شما مردم مبارز و انقلابی را به گرمی فشرده و مقاومت گسترده‌ی عمومی و مواضع سیاسی مدرن و آزادیخواهانه‌تان جهت به زانو درآوردن این رژیم سرکوبگر و فریبکار را ارج بنهیم. اطمینان میدهیم که تا به سرانجام رساندن این راه پر افتخار که همانا سرنگونی قطعی رژیم و تحقق آزادی، برابری و رهایی از هرگونه ظلم و تبعیض و استثمار میباشد، دوشادوش شما در سنگر مبارزه و فداکاری استوار ایستاده و قدم به قدم تا دستیابی به پیروزی نهایی همراه و همگام خواهیم بود. همچنین امیدواریم آن بخش از مردم نیز که به هر دلیلی نتوانستند در افتخار این پیروزی سهم شوند و به دام توطئه‌های رژیم افتادند، درک کنند که رژیم فاقد هر گونه مشروعیت و چشم اندازی برای

و "بدتر" پایان داده و راهگشای مسیری شدند که به پیروزی روز ۲ اسفندماه منتهی گردید. همچنین بایستی از تشکیلات، اعضا و هواداران هر چهار حزب عضو مرکز همکاری احزاب سیاسی کوردستان ایران تقدیر نمود که از همان نخستین روز تا انتها، با تلاش خستگی ناپذیر خود نقشی انقلابی در فراگیر نمودن تحریم نمایش انتخاباتی رژیم ایفا نمودند. در رقم زدن این پیروزی همچنین بایستی از شجاعت و موضع مبارزاتی زنان شجاع و آزادیخواه و دیگر اقشار و طبقات مردم بویژه کارگران، برابریخواهان و ملیت‌های تحت ستم ایران بویژه مردم کوردستان نیز تقدیر نمود که اجازه ندادند رژیم در سرایشی سقوط خود از رأی آنان پشتوانه و ضمانتی برای بقا و نمایش مشروعیت سیاسی و دینی حکومت خود در افکار عمومی ملت‌های منطقه و مجامع و محافل بین‌المللی بسازد. ما در مرکز همکاری

کوردستان "قطور" را تنها نگذاشت



زندگی آنان را برهم زده و خسارات فراوانی به آنان وارد کرده است. اهالی این روستا اعلام کرده‌اند که ۱۰ روز قبل از زلزله در این منطقه، زمین لرزه‌های خفیفی را احساس و از مسئولان تقاضای چادرو وسایل لازم را کرده ولی کسی جوابگو نبوده است. این هموطنان همچنین اعلام داشتند که از سوی رژیم تاکنون کمکی به دست آنان نرسیده و چندین شب است که در سرما و بیرون از خانه می‌خوابند. مردم حادثه دیده قطور با اشاره به کمک‌های مردمی

ملت میهن دوست و انساندوست کوردستان با جمع‌آوری کمک و تامین لوازم ضروری، به کمک مردم حادثه دیده "خوی" رفتند. براساس اطلاعات رسیده، مردم شهرهای کوردستان، از طریق کمپین‌هایی جمع‌آوری کمک برای مردم زلزله زده خوی را آغاز کرده‌اند. مردم شهرستان اشنویه، کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کرده و برای مردم زلزله زده قطور ارسال کردند. مردم روستای "کورتان آباد" از توابع قطور گفته‌اند که زلزله، خانه و

گفتند که تاکنون ۱۰ تا ۱۲ دستگاه خودروی سایپا کمک به دست آنان رسیده که آن هم توسط مردم جمع‌آوری شده است. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در فراخوانی از مردم کوردستان خواستند که کمک مردم حادثه دیده بشتابند. همچنین "مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در پیامی از مردم کوردستان تقاضا کرد که به یاری مردم زلزله زده قطور بروند.

تقدیر و قدردانی ارگان تشکیلات از مردم کوردستان



ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت موفقیت بایکوت در کوردستان ایران، از مردم مبارز کوردستان و اعضا و هواداران حزب دمکرات تقدیر کرد.

متن پیام بدین شرح است:

اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران، درودی انقلابی تقدیم شما باد! ضروری می‌دانیم که از زحمات شما در فعالیتهای تبلیغاتی و مبارزاتی در قبال بایکوت یازدهمین دوره انتخابات نمایشی مجلس رژیم و سپس در موضعی قهرمانانه و نرفتن پای صندوق‌های رای، تقدیر و تشکر نماییم، ثابت نمودید که مسئله کورد در کوردستان ایران مرحله‌ای دیگر از موفقیت را پشت سر گذاشته و سیمای واقعی رژیم را بعد از ۴۰ سال تحریف و دروغ به درستی شناخته‌اید. اتخاذ موضع بموقع مرکز همکاری احزاب برای بایکوت انتخابات نمایشی و حمایت و پشتیبانی خستگی‌ناپذیر شما باعث

بود. همانگونه که رهبر شهید "دکتر قاسملو" در سخنان خویش می‌فرماید: "یا با مردم هستید یا علیه مردم، راه سومی وجود ندارد." تقدیر و تشکر از شما اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران

حزب دمکرات کوردستان ایران

ارگان تشکیلات کل

۳ اسفند ۱۳۹۸ خورشیدی

ادامه سخن

سیستم بهداشت جهانی اعلام کرد که این رژیم در کنترل بیماری کرونا با شکست مواجه شده و آمار آن نیز غیرواقعی و نادرست است! در شرایطی که فضای روانی کرونا، با سکوت در حال گذر است، رژیم ایران در روزها و ماه‌های آینده با تحریم و فشارهای بیشتری مواجه خواهد بود و وضعیت معیشتی مردم نیز بیشتر به خطر خواهد افتاد. در حالی که جامعه با دگرگونی عمیقی روبرو بوده و کرونا توان جامعه را بریده، هر سیستم دیگری، حتی سیستمی دیکتاتوری مانند چین، در فکر نجات جامعه بوده و همه امکانات خویش را برای محافظت از جامعه بکار گرفته، اما تا از این بیماری نجات یابد. اما رژیم ولایت فقیه هیچ تشابهی با سیستم‌های دیکتاتوری دیگر ندارد و در اوج بدبختی مردم، به ویرانگری‌های خویش ادامه داده و آینده ایران را هرچه بیشتر به سمت فلاکت سوق می‌دهد. کرونا شاید در کشورهای دیگر زندگی مردم را با خطر مواجه سازد و سپس با مقابله همه جانبه، از این بیماری گذر کرده و به مرحله آسایش و آرامش برسند. اما در ایران بعد از گذر کرونا، آرامشی وجود نخواهد داشت و از هم اکنون رژیم ولایت فقیه در حال نابودی ایام و ماه‌های بعد از سپری کردن بیماری کرونا است. سرچشمه فلاکت جامعه ایران، رژیم استعمارگر حاکم بوده و تنها با خشکاندن ریشه‌های این رژیم و به آتش کشیدن جنازه رژیم، مردم ایران می‌توانند به آرامش برسند.

جمعی دیگر از جوانان مبارز کوردستان به صفوف پیشمرگه ملحق شدند



مورد تشویق قرار گرفتند. جوایز نفرت برتر از سوی "بهن دهقان" و همچنین "بوداغ بوداغی" به آنان اهدا شد. این مراسم، با آوازخوانی یکی از حضار دوره به نام "سعدی" و قرائت شعری با نام "ته‌ورۆز و ناگر" که از سوی "احسان رستگار" پیشمرگه نیروی ۱۲۲، نیروی پیشمرگه کوردستان خوانده شد، به اتمام رسید.

گردید. پیام دوره ۲۴۱ مقدماتی پیشمرگه نیز از سوی یکی از حضار دوره به نام "دانا" تقدیم حضار گردید. بعد از قرائت پیام دوره، شرکت کنندگان دوره سرودی را تحت نام "پیشمرگه" تقدیم حضار کردند. همانند رسوم هر دوره، سه نفر نخست در زمینه امتحانات نظامی و سیاسی و سه نفر برتر در زمینه نظم و انضباط،

به مناسبت اتمام دوره ۲۴۱ مقدماتی سخنانی ایراد نمود. سپس شعری تحت نام "من کیم"، از سوی "مهناز"، شرکت کننده دوره تقدیم حضار شد. در ادامه، گزارش آموزشگاه فرماندهی، از سوی مربی آموزشگاه، "خلیل میلانی" قرائت شد. سپس شعری با نام "کورد و نهیار" از سوی "ژیوان" شرکت کننده دوره قرائت

مراسم، ابتدا با قرائت سرود ملی "ای رقیب"، از سوی حضار دوره و یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهیدان کوردستان آغاز شد. در این مراسم، جمعی از مسئولان سیاسی و نظامی، کادر و پیشمرگه‌های حزب دمکرات حضور یافتند. "بهن دهقان"، فرمانده نیروی ۱۱۵، نیروی پیشمرگه کوردستان،

دوره مقدماتی نیروی پیشمرگه کوردستان با موفقیت به اتمام رسید و جمعی دیگر از فرزندان مبارز کوردستان به سنگر مقاومت ملحق شدند. روز جمعه ۹ اسفندماه، دوره ۲۴۱ مقدماتی آموزشگاه نیروی پیشمرگه کوردستان با برگزاری مراسمی در کوه‌های کوردستان با موفقیت پایان یافت. این

چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی



روژەف میدیا

دولت، فساد، فشارهای خارجی و از طرفی دیگر مردمی که به دنبال گذار از جمهوری اسلامی هستند، همه این موارد حلقه محاصره را روز به روز بر جمهوری اسلامی تنگ و تنگتر کرده است و هرآن این احتمال وجود دارد جرقه‌ای دیگر سبب شود این انبار باروت منفجر شود و هست و نیست حکومت را نابود کند. با ادامه تحریم‌ها و فشار حداکثری آمریکا حکومت با بحران‌های عمیقتری روبرو خواهد شد و در آینده اقتصاد ایران متلاشی خواهد شد و از این رو باید انتظار داشت که هرآن این احتمال وجود دارد

یک سرباز آمریکایی و حمله به سفارت این کشور در عراق انجام گرفته است.

اما این احتمال وجود دارد که سازمان‌های جاسوسی آمریکا از برنامه‌های سلیمانی برای حمله به منافع آمریکا خبر داشته‌اند و این اطلاعات این احتمال را قوت می‌بخشد که کشتن سلیمانی پیشتر در برنامه مقامات کاخ سفید بوده است و تنها منتظر فرصت مناسبی بوده‌اند تا آن را عملی کنند.

در این جا دو سوال پیش می‌آید:

این وضعیت جنگ را به مانند یک نعمت می‌بینند و از طریق جنگ می‌توانند توده‌ها را پشت سر خود بسیج کنند.

اما در پاسخ به سوال دوم که چرا آمریکا اقدام به حذف سلیمانی در این برهه زمانی کرد، شاید این بار صداقت به خرج داده‌اند و همانطور که اعلام کردند برای پیشگیری از جنگ بوده است.

قاسم سلیمانی فرمانده برون مرزی سپاه پاسداران ماموریت حمله به منافع آمریکا و کشتن سربازان آمریکا را در دستور کار داشته است و اگر نقشه‌های سلیمانی عملی می‌شد احتمال وقوع یک

اوایل انقلاب می‌تواند آنها را از سقوط نجات دهد و مردم را از مسیر اصلی منحرف کنند.

۲- ترس از برنده شدن ترامپ در انتخابات بعدی، از این رو با کشاندن آمریکا به یک جنگ می‌خواهند بر افکار عمومی مردم آمریکا تاثیر بگذارند و از محبوبیت وی بکاهند تا شانس کمتری برای برنده شدن در انتخابات آتی داشته باشد، در اینجا باید به این نکته توجه داشت علیرغم حذف سلیمانی جمهوری اسلامی در روزها و ماه‌های آتی بیشتر دست به اقدامات خرابکارانه علیه منافع آمریکا و همپیمانانش به

جمهوری اسلامی بعد از آبان‌ماه دیگر به دنبال مشروعیت از دست رفته و یا کشاندن مردم پای صندوق‌های رای و یا راهپیمایی نخواهد بود، بلکه جمهوری اسلامی به دنبال حکومت کردن در پسا مشروعیت است، یعنی حکومت بدون مشروعیت ویا مشروعیت ندارد بلکه دشمن ملت خود است و از هیچ جنایتی علیه ملت خود دریغی نمی‌کند.

که این مردم گرسنه و جان به لب رسیده طغیان کنند و به خیابان‌ها بریزند. اما حکومت همانگونه که اشاره شد خود را برای دوران پسا مشروعیت آماده می‌کند و از هر طریقی که برایش مقدور باشد حاضر است حکومت را حفظ کند حتی اگر از طریق کشتار توده‌ها باشد و یا اینکه کشاندن کشور به یک جنگ. بامداد روز جمعه سیزدهم دی ماه قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و همراهانش در یک حمله پهبادی از سوی آمریکا کشته شدند، مقامات کاخ سفید اعلام کردند این عملیات را برای جلوگیری از جنگ و اقدامات خرابکارانه او در قبل و آینده که قصد داشته است علیه منافع آمریکا طرح ریزی کند انجام داده‌اند هرچند کشتن سلیمانی به باور بسیاری از تحلیلگران به تلافی کشتن

۱- چرا در چنین شرایطی که جمهوری اسلامی در باتلاق گیر کرده است و دم به دم بیشتر در آن فرو می‌رود قصد حمله به منافع آمریکا و همپیمانانش را داشته است؟ هرچند پیشتر نیز چنین اقداماتی انجام داده است از حمله به نفتکش‌ها گرفته تا حمله به آرامکو و ...

۲- چرا آمریکا در این برهه زمانی اقدام به حذف فیزیکی سلیمانی کرد و چرا بیشتر در قبال اقدامات خرابکارانه ایران مداخلات می‌کند؟

پاسخ به سوال اول را از چند جهت می‌توان بررسی کرد:

۱- اقتصاد ایران به مرز ورشکستگی نزدیک شده است و ترس ملایان از شورش گرسنگان آنها را به این قناعت رسانده است که یک جنگ دیگر همچون

طور غیرمستقیم خواهد زد تا آن کشور را تحریک کند به اقدام نظامی متوسل شود.

۳- شروط آمریکا برای مذاکره و بازگشت به گفتگو بسیار سفت و سخت هستند و در صورتی که جمهوری اسلامی این شروط را بپذیرد تمام توان و قدرت‌ش گرفته خواهد شد و این خود به سقوط حکومت خاتم خواهد شد.

۴- بحران مشروعیت، فساد حکومتی، ناکارآمدی دولت، فروپاشی اقتصادی و گذار از جمهوری اسلامی به یک حکومت دمکراتیک که خواست عموم مردم ایران است، از نظر تئوری گویای این است که شرایط کنونی مهیا برای انقلابی دیگر و یا تغییراتی بنیادین در حکومت است، از این رو است که ملایان برای نجات و برون رفت از

درگیری مستقیم بین طرفین دور از انتظار نبود، بنابراین مقامات کاخ سفید در یک اقدام پیشگیرانه اقدام به حذف فیزیکی سلیمانی کردند.

اما چرا آمریکا در این مقطع هیچ تمایلی به درگیری مستقیم با حکومت جمهوری اسلامی علیرغم پافشاری ملایان ندارد از چند جهت می‌توان بررسی کرد.

۱- انتخابات پیش رو در صورت آغاز یک جنگ تمام عیار این جنگ بیشتر کشورهای خاورمیانه را دربر خواهد گرفت و این شانس ترامپ را برای پیروزی در انتخابات آتی کاهش خواهد داد.

۲- تشکیل یک ائتلاف گسترده جهانی علیه جمهوری اسلامی، هم اکنون این ائتلاف در حال شکل‌گیری است و با ادامه

روند فعلی این ائتلاف در ماه‌های آینده قدرتمندتر خواهد شد و حلقه محاصره بیشتر بر جمهوری اسلامی تنگ خواهد شد.

۳- ادامه فشار حداکثری تا جایی که بتوانند رژیم را به زانو و پای میز مذاکره بنشانند و ملایان را تسلیم خواسته‌های خود بدون هیچ هزینه‌ای کنند و اگر چنین نشد و به اجبار به جنگ متوسل شوند آن را به بعد از انتخابات رئیس جمهوری موکول کنند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان برداشت کرد که در این مقطع زمانی آمریکا بر خلاف جمهوری اسلامی تمایلی به درگیری با جمهوری اسلامی ندارد و تا آنجا که اقدامات خرابکارانه جمهوری اسلامی علیه منافعان آمریکا و همپیمانانش قابل تحمل باشد. و از خطوط قرمزی که تعیین کرده‌اند عبور نکنند، مقامات کاخ سفید تا بعد از انتخابات مداخلات خواهند کرد و اما اگر ترامپ در انتخابات سال جاری میلادی پیروز شود و همچنان در کاخ سفید بماند آموّقع وضع به گونه‌ای دیگر خواهد بود و دیگر مداخلات به پایان خواهد رسید و در صورتی که جمهوری اسلامی تسلیم خواسته‌های کاخ سفید نشود و رهبر انقلاب جام زهر را ننوشد احتمال جنگ و منازعه بسیار بالا خواهد رفت. حمله به پهبادهای آمریکا، نفتکش‌ها، میدان نفتی آرامکو، پایگاه عین الاسد و غیره و حملات خرابکاری دیگری که احتمالا جمهوری اسلامی در آینده علیه منافع آمریکا در منطقه انجام خواهد داد با توجه به آنچه گفته شود قابل تحلیل است. روزها و ماه‌های آتی بسیار پرتنش خواهد بود و هم اکنون منطقه به انباری باروت تبدیلی شده است و تنها یک اشتباه و عبور از خط قرمز می‌تواند سبب انفجار این انبار باروت شود.

کوید ۱۹



اگری اسماعیل نژاد

بیایید اول کروناویروس را کنار بگذاریم، حال مهم نیست اسمش کوید ۱۹ است یا هر چیز دیگر، چون اول به وضعیت اپوزیسیون در ۳۰ سال گذشته نیاز داریم. پرسوصداترین گفتمان در ۳۰ سال گذشته در سطح اپوزیسیون، گفتمانی بوده که خود ادعا کرده به "دنبال تغییر از درون" است. این گفتمان رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم غیرعقلانی و دیکتاتور تلقی می‌کند، اما راهکارش برای گذار از این رژیم "تغییر از درون" است و راهکار عملی برای تحقق این مسئله هم انتخابات می‌پندارد و طرفداران گفتمان تغییر از درون به دو بخش تقسیم می‌شود، جمعی که تقریباً سه سال از تشکیل آنها می‌گذارد، گروههای پراکنده هستند که بر انتخابات آزاد تاکید دارند و بخش دیگر که از ابتدا این سی سال گذشته در چهارچوب این گفتمان رفتارهای خود را تحلیل کردند، آنها معتقد به انتخابات درون رژیمی هستند و خود را بازیگر این بازی هم می‌پندارند. دو مسئله در مورد بازیگران این گفتمان جایی اهمیت دارد:

یک: آنها براساس رفتارشان باید معتقد به گذر از رژیم از طریق "تغییر در درون حاکمیت" باشند، نه تغییر از درون، چون عملاً همه مسائل آنها مستلزم این است حاکمیت تغییر رفتار انجام دهد و کلیت گفتمان آنها براساس همین چهارچوب تغییر در درون حاکمیت تعریف شده است، نه تغییر در درون مردم یا تغییر از درون ایران و خارج از فاکتورهای غیرداخلی مشخص است که هر دو طیف انتخابات را مبنای کار خود قرار داده‌اند و نمایان است که شرط برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم این است حکومت شرایط این

انتخابات را مهیا کرده و نتایج آن را نیز قبول کند. تحقق این امر هم ملزم آن است حکومت در درون خود تغییراتی را ایجاد کند و یا نیاز به تغییراتی را احساس کند.

دو: نکته دوم به نکته اول ربط دارد، بازیگران گفتمان تغییر در درون حاکمیت، اشاره به کارت‌هایشان جهت تحقق این تغییر نمی‌کنند و حتی این تغییر چگونه باید باشد؟ دقیقاً چه تغییری باید انجام شود؟ تغییر در راستای چه برنامه‌ای باشد؟ بازیگران این تغییر چه کسانی

ربط دهد، تا خوراک تبلیغات علیه خود را به رسانه‌های بلوک سرمایه‌داری نرساند، اما مشخصاً نوع رفتار این رژیم در مقابله با بحرانهای موجود در سراهش بر پایه بدهیات علمی بود نه آموزه‌های یک دین خاص، ولی در رژیم جمهوری اسلامی برخورد با هر مسئله بر دو پایه استوار است.

یک: دین و آموزه‌های آن در این زمینه چه گفته‌اند؟! **دو:** آیا بحث از آن در افکار عمومی می‌تواند یک

جذب کرد و در فاصله سوم تا نهم اسفند بحث کرونا ویروس در حاشیه دو مسئله قرار داشت: **یک:** آیا برخورد با بیماری کوید ۱۹ بر اساس حفظ مقدسات اسلامی باشد، یا براساس اصولهای علم پزشکی؟ **دو:** قبول بحران بیماری کرونا در سطح بین‌المللی چقدر می‌تواند برای ایران که ادعا ام‌قراء جهان اسلام را دارد هزینه بردار باشد؟^(۱) مسئله دوم در ذات حکومت‌های توتالیتیر است، آنها اصولاً مبناء سیستم‌های پروپاگاندایی خود

این نیروها یک روز لباس شخصی‌ها هستند و فردای آن مدافعان حرم می‌شوند و به سوریه یا لبنان می‌روند و روزی هم لیسنده‌های ضریح می‌شوند و یا رای دهندگان همیشگی و مرگ بر اسرائیل و آمریکا گویان ۴۰ سال گذشته!

تبلیغ علیه حکومت اسلامی و یا مقدسات آن باشد یا نه؟! در مسئله برخورد با ویروس کرونا تا بامداد روز نهم اسفند حفاظت از آموزه، مکان و دستورات دین اسلام شیعه دوازده امامی در اصول کار "ستاد ملی مبارزه با کرونا" بود، اما این آموزه‌ها و این مکان‌ها خود به مراکز برای اشاعه ویروس تبدیل شده‌اند بودند، این مسئله‌ای نبود که از چشم متخصصین پزشکی پنهان بماند، ولی اصول کار گروه بر این مبنا رهنمودهای دینی گذاشته می‌شود، چون زیربنای جمهوری اسلامی نیز بر این مبنا قرار

نیست و با گذراندن یک درس دو واحدی در مورد اپیدمولوژی می‌تواند در مورد قرنطینه چنین صحبت کرد که اهل فن تسخیرت نکنند. ایرج حریرچی، قائم مقام وزارت بهداشت و آموزش پزشکی در واقع با این گفته تلاش کرد که گفته‌های مخالفین اسلامی قرنطینه را ماله‌کشی کنند، اما گفته‌های آنها آنقدر با دانش پزشکی در تضاد بود که دفاع حریرچی در افکار عمومی به حماقت ترجمه شد. همزمان با گفته و برخوردهای پزشکی گروه باورمندان به خرافات اسلامی، کمپین لیسیدن ضریح^(۴) مکان‌های

هستند؟ هیچ کدام از این سوال‌ها که در واقع برنامه کاری یک گروه سیاسی است معلوم نیست؛ و هرگز هم در رسانه‌ای از آنها سوال نشده است که برنامه کاری شما چیست؟! حالا دیگر نوبت کروناویروس یا اسم باکلاش کوید ۱۹ است، بیایید، با یک کرنولوژی این بخش را آغاز کنیم، روز ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرد که در جغرافیای ایران بیمار کوید ۱۹ وجود دارد و یک مورد فوتی هم در شهر قم داشته‌اند، این مسئله در سوم اسفند با تعطیلی مدارس افکار عمومی را به خود

رژیم ایران مبتلایان به بیماری کرونا را به شهرهای دیگر انتقال می‌دهد

مردم بندرعباس یکی از درمانگاه‌های این شهر را بدلیل نگهداری بیماران مبتلا به کرونا، به آتش کشیدند. رژیم ایران ۱۰ تن از مبتلایان به ویروس کرونا را به درمانگاه شهرک توحید بندرعباس انتقال داده که باعث خشم مردم این شهرستان گردید. مردم بندرعباس در جواب این اقدام رژیم و از ترس شیوع ویروس کرونا در این شهرستان، به این درمانگاه حمله و آن را به آتش کشیدند. رژیم ایران شهرستان قم را بعنوان منشأ شیوع کرونا در ایران را نه تنها قرنطینه نکرده، بلکه با انتقال مبتلایان به این ویروس به شهرستان‌های دیگر، در حال انتشار ویروس کرونا در سراسر ایران است. در همین

ارتباط، خبرگزاری "رویترز" به نقل از "بی بی سی" اعلام کرد که بیش از ۲۱۰ نفر در ایران بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند. براساس این گزارش، تهران با بیش از ۱۰۰ نفر و قم با ۸۰ تن، بیشترین شمار قربانیان ویروس کرونا را دارا می‌باشند. "کیانوش جهانپور" سخنگوی وزارت بهداشت رژیم ایران با تکذیب گزارش بی‌بی‌سی، اعلام کرد که آمار رسمی جان باختگان کرونا در ایران ۳۴ نفر بوده است. "تاهید خداکرمی" رئیس کمیته سلامت شورای شهر تهران نیز گفت که احتمال دارد در ایران ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر به کرونا مبتلا شده باشند. نماینده قم در مجلس رژیم ایران

در جریان سرکوب و قتل عام اعتراضات آبان ماه توسط رژیم اسلامی ایران، دست کم ۲۳ کودک توسط نیروهای جنایتکار رژیم ایران کشته شده‌اند. چهارشنبه ۱۴ اسفند ماه، سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی اعلام کرد که ۲۳ کودک در جریان اعتراضات آبان ماه، بوسیله سلاح‌های جنگی و توسط نیروهای امنیتی ایران کشته شده‌اند. براساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، ۲۲ پسر ۱۲ تا ۱۷ ساله و یک دختر بچه ۸ تا ۱۲ ساله در جریان انتخابات کشته شده‌اند. دست‌کم در ۱۰ مورد از کودکان کشته شده، ماموران سرکوبگر رژیم ایران بصورت مستقیم و به قصد کشتن به "سر و سینه" آنان شلیک کرده‌اند. "فیلیپ لوتر"، مدیر پژوهش‌ها و

منابع
(۱) <https://bit.ly/39dH8pF>
(۲) <https://bbc.in/2uCCYIO>
(۳) <https://bbc.in/32ErYY7>
(۴) <https://bit.ly/2la1otf>

کشته شدن ۲۳ کودک در اعتراضات آبان ماه



براساس نامه افشا شده‌ی ارسال از سوی اداره پزشکی قانونی رژیم به "حسن روحانی"، در جریان اعتراضات آبان ماه، ۴۸۰۰ تن کشته شده‌اند. ۲۴ آبان ماه، بعد از افزایش ۳۰۰ برابری نرخ بنزین، اعتراضات مردمی در سراسر ایران و کوردستان آغاز شد و رژیم ایران اقدام به سرکوب و قتل عام مردم بی‌دفاع معترض کرد و هزاران تن را به خاک و خون کشید.

امور حقوقی خاورمیانه، با اشاره به امتناع ورزیدن مسئولان رژیم ایران برای انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه، از کشورهای عضو شورای حقوق بشر خواست که یک مکانیسم تحقیقاتی برای رسیدگی به قتل عام معترضان آبان ماه ایجاد کنند. خبرگزاری رویترز آمار کشته‌شدگان اعتراضات آبان ماه را ۱۵۰۰ تن اعلام کرده بود، در حالی که

آیا دموکراتیک شدن راحت است؟

سقز

وقتی مشکلات روی هم انباشته می‌شوند، بعضی به واژه و مفهوم دموکراسی متوسل می‌شوند و تحقق آن را به عنوان راه حل مطرح می‌کنند. البته اگر نروژ، سوئد، دانمارک و آلمان نمونه‌های دموکراتیک تلقی شوند، این قضاوت منطقی است. اما آیا افراد می‌دانند دموکراتیک شدن چه فرایندها، اصول و تمرین‌های سختی در بر دارد؟ این افراد چقدر متون و ادبیات دموکراسی را خوانده‌اند و بر آنها مسلط هستند؟ تا چه میزان با تاریخ این کشورها با دقت و جزئیات آشنایی دارند؟ اگر خروج از قرون وسطی و تحولات جدی دوره رنسانس را حدود ۱۵۰۰ میلادی در نظر بگیریم، چه میزان متون و ادبیات در این ۵۲۰ سال برای تحقق، تکامل و اصلاح دموکراسی تولید شده است؟ هزاران فیلسوف، اقتصاددان، جامعه شناس، عالم علم سیاست، روان شناس و دانشمند علوم در کنار هم و با اصلاح اندیشه‌های یکدیگر، متون نوشته‌اند و اثر گذاشته‌اند تا آنکه امروز، وزیر دانمارک به عنوان

یک قرارداد اجتماعی و بدون آنکه هزینه‌ای بر بودجه عمومی کشور تحمیل کند، با دوچرخه به محل کار خود می‌رود. متون امروزی هابرماس آلمانی، صورت آخر چندین قرن نوشته و فکر می‌کنند، حال این فکر کردن برای فلسفه باشد یا کارآفرینی؛ برای قانون‌پذیری باشد یا تولید ثروت؛ برای افزایش امنیت ملی باشد یا حفاظت از محیط زیست؛ برای ارتقای کارآمدی در آموزش دبستانی باشد یا ارتقای

ایمنی خودرو؛ برای اصلاح نظام بانکداری باشد یا تشویق شهروندان برای عبور از خطوط عابر پیاده. این حس اجتماعی و جزیی از جمع بودن و کار مثبت برای جمع کردن، مبنای روانی و فلسفی دموکراسی است. جمعی تصمیم گرفتن، با اکثریت تصمیم گرفتن، به فکر منافع و مصلحت عامه بودن و جلوگیری حقوقی از انحصار و عدم شفافیت، نتیجه چند قرن کار فکری است. هرچند کتابخانه‌ها و دانشگاه‌هایی که قرن‌هاست به وجود آمده‌اند بنیان این زحمات فکری است ولی شخص علاقمند نیز می‌تواند ماه‌ها در موزه‌های لندن، برلین، پاریس،

فلورانس، وین، مادرید، ونیز، استکهلم و رم، وقت کیفی بگذارد تا تاریخ اندیشه و سیر انباشتی و تکاملی هزاران نفر را مشاهده کند. بنظر می‌رسد حدود ۵۰۰۰ کتاب در پنج قرن اخیر به صورت تکمیل‌کننده یکدیگر در فلسفه، اقتصاد، سیاست، علم و جامعه شناسی نوشته شده است تا اینکه خانم مرکل صدر اعظم آلمان قبول کند هر تصمیم او باید با افکار عمومی در آلمان هماهنگ باشد و او خودش باید، خرید منزلش را انجام دهد. باوری که در اعماق وجودی انسان‌ها ریشه دوانده است. باورهای ناخودآگاه نخبگان سیاسی و فکری یک

جامعه است که طی سال‌ها و در یک نظام آموزشی مشترک، آنها را درونی کرده‌اند. اگر مجموعه‌ی حاکمیت یک کشور، متون مشترکی نخوانده باشند، به باورهای مشترک نیز دست نخواهند یافت. دلیل اصلی اینکه اروپا و آمریکا به راحتی به توافق دست می‌یابند، متون مشترک فلسفی و اقتصادی است که خوانده‌اند. طبیعی است وقتی نخبگان یک کشور از رشته‌های مختلف با ادبیات متنوع دور هم جمع شوند نمی‌توانند به اشتراک نظر برسند و هر فرد، کار خود را انجام می‌دهد و برآیند این کارها، حداقل ناهماهنگی و

قامت تفکر و سقف آزادی



رابون

در جامعه ای که قامت تفکر و همت مردم کوتاه باشد، سقف آزادی هم به همان نسبت کوتاه می شود(داستایفسکی-رمان بیچارگان). واقعیت این است که این سخن داستایفسکی که قامت تفکر و همت مردمان یک جامعه تعیین کننده سقف آزادی آن جامعه است بسیار محل تأمل و تعمق دارد. بسط و گسترش آزادی در هر جامعه ای بستگی تام و تمام به میزان و سطح تفکر و کوشش‌های فکری و عقلانی مردمان آن کشور دارد. مردمانی که تنها به نان و معاش می‌اندیشند و برای به دست آوردن لقمه نانی در رنج و عذابند و تمام هستی و زندگی شان تبدیل به این شده است که چگونه شکم خویش را سیر نگه دارند و از گرسنگی در امان بمانند لاجرم نمی‌توان از چنین مردمانی انتظار داشت که خواهان آزادی باشند چرا که به گفته آبراهام مازلو روان شناس انسان گرا اینان هنوز در خانه اول از هرم نیازهای خویش یعنی رفع نیازهای فیزیولوژیک(زیستی)

مانده‌اند و دیگر گامی به پیش نمی‌توانند بنهند. این مردمان باید که نیازهای زیستی خویش را رفع کنند تا از مرگ و نابودی رهایی یابند و آنگاه نسبت به رفع نیازهای امنیت اقدام کنند و سپس به رفع نیازهای اجتماعی همت بگمارند. پس از آن است که به نیازهای احترام و دوستی متقابل و در نهایت به خودشکوفایی استعدادها برسد. کردستان ایران به رغم بسط و گسترش مدارس و دانشگاه‌های مختلف در دهه‌های اخیر و ارتقای سطح سواد و آگاهی هنوز هم مشکلاتی در حوزه تفکر و خردورزی و عقلانیت وجود دارد که این مقدار برای رسیدن به آزادی چندان کفایت لازم را ندارد. در همین راستا همت مردمانش نیز چندان بلند نیست که بتواند آنان را به مرزهای آزادی و رهایی نزدیک سازد. به راستی که با تفکر و اندیشیدن عمیق و بلند و با همت و کوشش فراوان است که می توان سقف آزادی را هر چه بالاتر برد و از همه ظلم و ستم ها و بی عدالتی ها و محدودیت ها رهایی جست و به قله‌های رفیع آزادی دست

یافت. به نظر می‌رسد که هنوز در کردستان ما مردمانش چندان به موضوعات مهم و بنیادی‌ای که سازنده پایه های آزادی و رهایی باشد،نمی‌اندیشند به گونه‌ای که دسته‌ای از آنان تا حد زیادی گرفتار برطرف نمودن نیازهای زیستی و معیشتی بوده و دسته‌ای دیگر گرفتار برطرف نمودن نیازهای کاذب. روشن است که در چنین فضایی دغدغه اندیشیدن و تفکر کردن چندان رنگ و لعابی نداشته و آن چه که از همه بیشتر خودنمایی می‌کند زیستنی دور از تفکر و همت کردن است. کوتاه سخن این که آزادی را خواستن مستلزم تفکر کردن و همت داشتن است و اگر این دو نباشد دست یابی به آزادی چندان مورد انتظار نخواهد بود. اریک فروم روان شناس مشهور در کتاب خواندنی گریز از آزادی گفته بود که مردمانی هستند که آزادی را نمی خواهند چرا که آزادی تفکر می خواهد و مسئولیت و تعهد و همت و اگر چنین نباشد دیگر از آزادی سخن گفتن چه وجهی می تواند داشته باشد؟

میترا ندری

یاری دین مردم یارسان است که حاصل تطور و تکامل فرهنگ و باور چند هزار ساله ساکنان زاگرس است. عمدتا یارسانی‌ها در نواحی کوردنشین غرب ایران مخصوصا استان کرمانشاه ساکن هستند و چون معتقدند که دینشان حقیقت است در جامعه ایران آنها را "اهل حق" نیز می‌نامند. تبعیضات موجود در قوانین ایران نسبت به اقلیت دینی یارسان که پس از مسلمانان بزرگترین جمعیت دینی ایران را تشکیل می‌دهند در سطح بسیار عمیق و گسترده‌ای بوده است؛ در سال‌های اخیر نقض حقوق بشر در مورد پیروان یارسان و توهین به عقاید و رسوم آنها با اعتراضاتی همراه بوده اما فشارها و تبعیض‌های قانونی و اجتماعی در داخل ایران زندگی را روز به روز برای آنها سخت‌تر کرده است. چون این دین هیچ سنجیتی با دین اسلام که دین رسمی کشور است ندارد همیشه مورد سرکوب و فشار بوده و از طرف روحانیون اسلامی پیروان آن کافر و نجس در جامعه شناخته شده‌اند به طوری که در احکام جزایی شهادت یک شخص یارسانی در دادگاه مورد تایید

دستگاه قضایی قرار نمی گیرد. آنها نمی‌تواند آزادانه مراسم آیینی خود را برگزار کنند زیرا در صورت دستگیری بدون تفهیم اتهام، به جزم تجمع علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه رژیم و به دلیل فعالیت‌های مذهبی زندانی و مجازات می‌شوند. همچنین یارسان‌ها محروم از داشتن کار و ارگان های دولتی می‌باشند و حق استخدام در شرکت‌های دولتی و نامزد شدن در رقابت‌های انتخاباتی را ندارند. در حالی که پس از مسلمانان بزرگترین جمعیت دینی کشورند ولی تا کنون اجازه داشتن نماینده‌ای در مجلس به آنها داده نشده و تلاش برای استحالۀ فرهنگی، مورد توهین قرار گرفتن نمادها و باورهای آیین یارسان از تریبون‌های رسمی، مذهبی و دولتی همچنان ادامه دارد. تبعیض در تخصیص بودجه به مناطق یارسان‌نشین و حمله و تصرف عبادتگاه‌ها از جمله دیگرمواردی است که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پیروان یارسان روا می‌دارد.

چندین مورد از اعتراضات این پیروان آئینی حتی به خودسوزی در مقابل فرمانداری و مجلس شورا اسلامی انجامید اما تا به حال هیچ تفاوتی در بهبود حقوق

پیروان یارسان حاصل نشده است و در طول زندگی خود محکوم به زندگی دو هویتی هستند یکی هویت یارسانی در خانه و دیگری هویت اسلامی در بیرون از خانه اما آنها در طول تاریخ به جهان ثابت کردند که مردمانی صلح‌جو هستند و تنها خواسته آنان حقوق برابر انسانی است لذا مردم یارسان خواستار:

- برقراری یک نظام دمکراتیک در ایران به منظور نیل به آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون
- جدایی دین از دولت و لغو دین رسمی کشور
- جبران عقب ماندگی‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق محروم
- حفظ هویت آئینی
- آموزش به زبان مادری و امکان بازگشت آوارگان و...
- همچنین دخالت مردم یارسان در مجالس قانون گذاری محلی و سراسری و واگذاری حق اداره امور جامعه یارسان به مردم بومی
- حق داشتن یک مجمع به عنوان نماینده رسمی مردم یارسان از جمله اهداف و خواسته‌های دموکراتیک مردم یارسان است.

زنان ایران در آستانه‌ی ۸ مارس

سولین سنه

در آستانه‌ی ۸ مارس، روز جهانی زن ایستاده‌ایم. بیش از یک قرن که از تصویب این روز به عنوان روز جهانی زن به پیشنهاد (کلارا زتکین) می‌گذرد و زنان در کشورهای مختلف پیشرفت‌های زیادی بدست آوردند. اما مرتجعان حاکم بر ایران عرصه را از هر سو بر زنان تنگ نموده‌اند و مانع مبارزاتشان برای رفع ستم جنسی و برابری حقوقی با مردان می‌شوند. در سال‌های گذشته بسیاری از زنان به دلیل مخالفت با سیاست‌های زن ستیزانه رژیم و مقاومت در برابر تهاجم به حقوق و دستاوردهای زنان و اعتراض به بی‌عدالتی و ستم و سرکوب یا دفاع از حقوق شهروندی متحمل زندان و رنج و شکنجه شده‌اند. مبارزات دموکراتیک زنان ایران برای برخورداری از حقوق سیاسی - اجتماعی و رفع ستم و تبعیض با تشویق و حمایت و یاری احزاب و دیگر سازمان‌های ترقیخواه وارد مرحله‌ی نوینی شد قبل از آن زنان ایران از هیچ حق و حقوقی برخوردار نبودند. رژیم شاه اگرچه با دادن حق رای به زنان و انجام پاره‌ای اصلاحات دیگر در حقوق زنان موافقت کرد اما دشمنی‌اش را با اهداف و حقوق

واقعی زن تا پایان سلطنتش حفظ کرد و حاضر به رسمیت شناختن این روز جهانی نشد ولی برای خالی نبودن عریضه روز تولد فرح دیبا را به عنوان روز زن در ایران اعلام کرد. در نخستین سال‌ها پس از سرنگونی رژیم شاه دوباره ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن با شرکت وسیع زنان برگزار شد و زنان با استفاده از این روز علیه تعرض حکومت به زنان و حقوقشان و سیاست‌های زن‌ستیزانه رژیم به پا خواستند. رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز که از ابتدا اصولا

حقوقی برای زنان قائل نبود از به رسمیت شناختن ۸ مارس که جزء خواسته‌های زنان ایران بود سر باز زد و به جای آن روز تولد فاطمه دختر پیامبر را روز زن اعلام کرد. تعرض ارتجاع حاکم علیه زنان و حقوقشان از همان ماه‌های نخست پس از انقلاب، با اجباری کردن حجاب، لغو قانون حمایت از خانواده، برقراری حکم سنگسار، سلب حق حضانت، محروم کردن از قضاوت، پایین آوردن سن ازدواج و غیره شروع شد و در سال‌های اخیر دامنه آن تا تلاش برای جدا سازی

جنسیتی در دانشگاه و جامعه و سهمیه بندی طلاق و سهمیه بندی تحصیل در موسسات آموزش عالی توسعه پیدا کرده است. بواسطه این سیاست‌های تبعیض آمیز، نابرابری و تبعیض میان زن و مرد در تمام عرصه‌ها افزایش یافته، سهم زنان از اشتغال به زیر ۲۰٪ رسیده، نرخ بیکاری در میان آنان به رغم پیشی گرفتن شمار و درصد زنان فارغ التحصیل، حداقل دوبرابر مردان شده است. رسماً به این بهانه که مرد سرپرست خانواده است، به زنان در کارهای مشابه

دستمزد کمتری داده می‌شود. کارفرمایان از استخدام زنان متاهل طفره می‌روند، زنان به دلیل ازدواج و بچه‌دار شدن از کار اخراج می‌شوند، از حق طلاق و سرپرستی فرزندان‌شان محروم‌اند و به بهانه‌ها و اشکال گوناگون از بازار کار رانده می‌شوند. با این همه مسئولین به جای کم کردن شکاف جنسیتی با ارائه لوایحی مانند بازنشستگی زودرس زنان با حقوق پایین به این شکاف دامنه می‌زنند. تا استقلال اقتصادی زنان را هرچه محدودتر کنند این

در حالیست که همه می‌دانند رسیدن به توسعه و پیشرفت پایدار بدون مشارکت زنان ناممکن است. مبارزات زنان هرگز نمی‌تواند از مبارزات سیاس - اجتماعی مردم برای استقرار یک حکومت دموکراتیک جدا باشد و دسرسی زنان به حق‌قشان در یک حکومت غیر دموکراتیک و استبدادی امری نا متصور است. مسائل خاص زنان که در اثر تسلط طولانی روابط پدر سالارانه در جامعه به وجود آمده‌اند ضرورت تغییر را ایجاد می‌کند. این تبعیضات و قوانین منجر به فقیرتر شدن زنان شده است. با این همه زنان همچنان در این نبرد نابرابر به اشکال مختلف مقاومت می‌کنند و اگر این مقاومت ها نبود بطور یقین وضعیت زنان می‌توانست بدتر نیز بشود هر چند زنان در این نبرد نابرابر چیزهای زیادی را از دست داده‌اند اما مبارزه در این میدان کمک موثری به استقرار دموکراسی خواهد کرد که برای پیشبرد مبارزات دموکراتیک کل جامعه الزامی است. قوانین ارتجاعی و تبعیضات جمهوری اسلامی علیه زنان موجب مخالفت و بیزاری زنان شده است.ولی همین امر باعث شده است هزاران مبارز در میان زنان پرورش یابند.

سایه کرونا بر اقتصاد ایران

خالد درویش

در سطح جهان کمتر نظامی را می‌توان یافت که به اندازه‌ی جمهوری اسلامی در خصوص پاسخ در خور به مطالبات و تامین امنیت خوراک و بهداشت جمعی بی مبالات باشد. زمانی که نگاه رژیم به اقتصاد به جای دیدن از گوشه نگاه علمی که بتواند ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های محدود جامعه را در مسیر توسعه و رشد اقتصادی جهت خدمت به مردم و تأمین نیازهای اساسی به خدمت بگیرد با نگاهی صرف ایدئولوژیک نگریده می‌شود و عصاره کاملاً متحجرانه و قبیله‌ای "اقتصاد مال خراست" را در بیان بازتاب می‌دهد طبیعتاً از رحم چنین فرهنگ سیاسی کلیشه‌ای ،وضعیت جهنمی‌ای زاده می‌شود که اینک همگان شاهد آن هستیم. شرایطی که علی‌رغم تحریف و لاپوشانی آن از طرف ماشین پروپا گاندای رژیم به قول گئی سورمان اقتصاددان فرانسوی در کتاب اقتصاد دروغ نمی‌گوید و در اصرارش بر اینکه در بسته‌ترین نظام‌های سیاسی، حاکمان نمی‌توانند واقعیات موجود اقتصادی را از نگاه مردم مخفی کنند،صحه می‌گذارد،اینک مردم با گوشت و استخوان آنرا لمس می‌کنند. در

حالی که اقتصاد ایران به علت ندانم کاری‌های مسئولین؛ساختار اقتصادی نامشخص و سیاست‌های نامتعارف و عمدتاً تنش‌زای رژیم در باتلاق اضمحلال دست و پا می‌زند و با هر قدم نابخرده‌ای، قدمی بیشتر به مرگ حتمی نزدیک می‌شود، شیخ کرونا

با عطسه بر پیکر نیمه جان به مثابه کاتالیزوری بیشتر آنرا به پرتگاه سقوط سوق می‌دهد و در نبود برنامه و ساز و کار ضروری از طرف حاکمیت مستبد، خواندن فاتحه‌اش دور از انتظار نخواهد بود. در حالیکه حاکمان تهران به هنگام با خبر شدن از

شیوع کرونا در چین به مانند همه نظام‌های پاسخگو، جهت حراست از جان مردم می‌بایست نخستین و ساده‌ترین اقدام مناسب را که توقف و تعلیق روابط و فعالیت‌های تجارتي است اتخاذ کنند، اما همچنان که شاهد آن بودیم در اقدامی عامدانه البته

جهت دستیابی به اهدافی پلید که در ذیل به آنها اشاره خواهیم داشت :تا به امروز هم درادامه روابط خود مصرند. شیوع کرونا در چین و کشورهای دیگر با پروسه سیاسی انتخابات مجلس یازدهم شورای اسلامی مصادف بود. بازی فرمایشی به ویژه بعد

از اعتراضات ساختار شکن و ضد حکومتی دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ برای رژیم بسیار حیاتی بود، بازی‌ای که رژیم می‌خواست با سرپوش گذاشتن بر واقعیت‌ها و نشان دادن صفهای مشارکت، سکه دروغین مشروعیت خود را به کشورهای جهان بفروشد. رژیم با ادامه دادن به روابط تجاری با چین و تطمیع آنها در شرایطی که چینی‌ها ریاست دوره‌ای اف ای تی اف را در دست داشتند می‌خواست تا با باج دهی بیشتر چینی‌ها را از تصمیم خود در خصوص احتمال بازگرداندن ایران به لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی منصرف کند. رژیم نه تنها نتوانست به‌روییای دستیابی به اهداف فوق‌الذکر دست یابد، بلکه امروزه شیخ کرونا نیز چون عاملی دیگر با اختلال بیشتر در بازار اقتصادی می‌رود تا تیری خلاص بر پیشانی اقتصاد به کما رفته رژیم شلیک کند. تعطیلی بیشتر کارگاه‌های تولیدی، افزایش نرخ سکه بهار آزادی، احتمال رکورد شکنی مجدد نرخ ارز، کسادى بازار، قرنطینه ایران از طرف کشورهای همجوار و کاهش حجم عظیم صادرات غیر نفتی به این کشورها به ویژه در شرایطی که ایران در سطح بین‌المللی ایزوله شده است نمونه‌های بارز تاثیر شیخ کرونا و سیاست‌های مخرب رژیم بر اقتصاد ایران می‌باشند.



در حالی که اقتصاد ایران به علت ندانم کاری‌های مسئولین؛ساختار اقتصادی نامشخص و سیاست‌های نامتعارف و عمدتاً تنش‌زای رژیم در باتلاق اضمحلال دست و پا می‌زند و با هر قدم نابخرده‌ای، قدمی بیشتر به مرگ حتمی نزدیک می‌شود، شیخ کرونا با عطسه بر پیکر نیمه جان به مثابه کاتالیزوری بیشتر آن را به پرتگاه سقوط سوق می‌دهد و در نبود برنامه و ساز و کار ضروری از طرف حاکمیت مستبد، خواندن فاتحه‌اش دور از انتظار نخواهد بود.

ایران و ترکیه گرفتار در ویتنام خاورمیانه

و غیر مستقیم ده‌ها میلیارد دلار برای رژیم ایران هزینه داشته است و اکنون با شرایط وخیم اقتصادی رژیم در تامین هزینه‌های جنگ نیابتی با مشکل جدی مواجه شده است، حتی در صورت پایان جنگ ایران شانس برای ادامه حضور در سوریه ندارد و رژیم بشار اسد و روسیه برای تامین صدها میلیارد دلار پول برای بازسازی سوریه به دنبال همپیمانان جدید و ثروتمندی (شاید عربستان و امارات) که با اسرائیل مشکلی نداشته باشند خواهند بود، در سیاست چیزی به نام دوستی وجود ندارد و همه روابط بر اساس منافع است و مطمئناً عربستان و اسرائیل برای حذف رژیم ایران حاضر به امتیاز دهی به رژیم بشار اسد هستند. در هر صورت ادامه جنگ نیابتی و حضور در سوریه جز هزینه مادی و تلفات انسانی دستاوردی برای رژیم ایران نخواهد داشت و شکست رژیم در سوریه قطعی است و زمان آن بستگی زیادی به افزایش مشکلات اقتصادی ایران دارد، هر چند احتمال درگیری مستقیم و گسترده میان نیروهای ایران و ترکیه در سوریه بسیار کم است اما در صورت بروز درگیری شرایط سریعتر به ضرر هر دو کشور تغییر خواهد کرد.

آمریکا و روسیه و چین و اتحادیه اروپا بازیگران اصلی جهان سیاست هستند و برای گسترش نفوذ شان در جهان در حال رقابت هستند و حضور آمریکا و روسیه در جنگ داخلی سوریه تنها برای حفظ منافع و گسترش نفوذشان بوده‌است نه مسائل حقوق بشری و انسانی، متأسفانه کشورهای منطقه‌ای همچون ایران و ترکیه نه در راستای منافع مردم کشورهاشان بلکه در راستای منافع قدرتهای خارجی وارد جنگ نیابتی شده‌اند، تفاوت زیادی نمی‌کند که کدام طرف در جنگ پیروز شود چرا که همچون جنگ ایران و عراق و جنگ عراق و کویت بازنده اصلی کل خاورمیانه است، کشورهای خاورمیانه زمانی امنیت و رشد و ثبات پایداری خواهند داشت که بر اساس حقوق برابر همه ملتها منجمه کورد و منافع مشترک متحد شوند. اتحاد کشورهای خاورمیانه رویایی است که می‌تواند به حقیقت پیوندد به شرطی که همچون کشورهای غربی با رعایت حقوق همه ملتها و مذاهب و آزادی و دموکراسی به دنبال منافع مشترک باشند نه تضادها. رژیم ایران بیشترین نقش را در افزایش اختلافات ملی و قومی و مذهبی در خاورمیانه داشته دارد و برای اتحاد و تغییر در خاورمیانه راهی به جز پایان افراط گرایی و تغییر رژیم‌های افراط گرا وجود ندارد.



داعش به وجود نمی‌آمد. چرا ایران هیچ شانس برای ادامه حضور در سوریه ندارد؟ رژیم ایران علی رغم موفقیت در حفاظت از رژیم بشار اسد و سرکوب مردم سوریه با

که شوری بطور مداوم در حال ارسال سلاح و مهمات بود. البته اوضاع برای ترکیه دشوارتر خواهد بود چون به دلیل حضور نیروهای روسیه امکان پیشروی در خاک

از هر لحاظ بسیار قدرتمندتر از سوریه است و سوریه به تنهایی هیچ شانس برای رویارویی با ترکیه ندارد اما در واقع سوریه یا درست‌تر بگوئیم رژیم بشار اسد

که اکنون درگیری شدیدی در آن منطقه در جریان است در کنترل گروه‌های اسلام‌گرای تندرو مورد حمایت ترکیه است و کردستان سوریه هم در اختیار نیروهای

هر کشوری در جنگی پرهزینه و طولانی گرفتار شود روزنامه‌نگاران و کارشناسان آن را به جنگ ویتنام تشبیه می‌کنند و از واژه ویتنامی شدن استفاده می‌کنند.

مشکلات بزرگ و رو به افزایشی مواجه است. اسرائیل مکرر تاکید کرده که حضور نظامی ایران در سوریه را نخواهد پذیرفت و در چند سال گذشته حدود ۳۰۰ بار به نیروهای ایران حمله کرده است و روسیه در عمل هیچ اقدامی برای توقف این حملات انجام نداده است و به طور قطع حملات اسرائیل

سوریه و سرنگونی رژیم بشار اسد را ندارد و آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو هم برای حمایت از ترکیه با روسیه وارد جنگ نخواهند شد، ترکیه سال‌ها برای سرنگونی رژیم بشار اسد و همچنین نابودی حکومت روژناوا (کردستان سوریه) همه توان سیاسی و اقتصادی و نظامیش را

از حمایت کامل روسیه برخوردار است و روسیه هرگز اجازه پیشروی ترکیه در عمق خاک سوریه را نخواهد داد و ادامه درگیری نظامی میان نیروهای ترکیه و سوریه جز تلفات انسانی و مادی و افزایش سیل مهاجران به طرف مرز ترکیه هیچ دستاوردی برای حکومت اردوغان نخواهد داشت،

کرد، با توجه به درگیری‌های اخیر امکان حل مشکلات و پایان جنگ از طریق گفتگو و مذاکره در این مقطع امکان پذیر نیست و حتی هرگونه توافق میان روسیه و ترکیه موقت خواهد بود، رژیم سوریه نه‌تنها هیچ تمایلی به بازگشت آوارگان به سوریه ندارد بلکه در تلاش است همزمان

حضور آمریکا و روسیه در جنگ داخلی سوریه تنها برای حفظ منافع و گسترش نفوذشان بوده است نه مسائل حقوق بشری و انسانی!

ادامه پیدا خواهد کرد و با تغییر شرایط سوریه امکان گسترده‌تر شدن حملات بسیار زیاد است، به دلایل سیاسی و نظامی ایران نسبت به این حملات که تلفات انسانی

به کار گرفت اما به هیچ کدام از اهداف نرسید و هم اکنون ترکیه ۲ راه بیشتر پیش رو ندارد، یا ادامه جنگ سوریه که نتیجه ای نخواهد داشت یا عقب‌نشینی

از طرفی رژیم بشار اسد چیزی برای از دست دادن ندارد و عملاً اقتصاد سوریه نابود شده و هیچ ترسی از ادامه درگیری با ترکیه ندارد، تشابه سوریه به ویتنام دقیقاً

با تصرف مناطق تحت کنترل گروه‌های اسلام‌گرای تندرو مورد حمایت ترکیه چند میلیون آواره ساکن در این منطقه را که عمدتاً خانواده‌های این گروه‌ها یا از مخالفان رژیم بشار اسد هستند را به طرف ترکیه سرازیر کند تا هم از دست میلیون‌ها مخالف نجات پیدا کند و هم ترکیه را دچار بحران سیاسی و اقتصادی کند. چرا ترکیه هیچ شانس برای پیروزی در سوریه ندارد؟ در رده بندی سال ۲۰۲۰ موسسه گلوبال فایر پاور بر اساس ده‌ها فاکتور کشور ترکیه قدرت یازدهم جهان است و

اتحاد کشورهای خاورمیانه رویایی است که می‌تواند به حقیقت پیوندد به شرطی که همچون کشورهای غربی با رعایت حقوق همه ملتها و مذاهب و آزادی و دموکراسی به دنبال منافع مشترک باشند نه تضادها!

و مادی زیادی را در پی داشته سکوت کرده و جرات پاسخگویی نداشته است اما ادامه این شرایط در دراز مدت به خصوص در صورت گسترده‌تر شدن حملات غیر ممکن است، حملات اسرائیل در کنار مشکلات اقتصادی ادامه حضور ایران در سوریه را غیر ممکن می‌کند، جنگ نیابتی در سوریه تا اکنون به طور مستقیم

به مرزهای بین المللی، در هر حال نتیجه سال‌ها دخالت ترکیه در سوریه جز هزینه اقتصادی و نظامی دستاوردی برای آن کشور نداشته و نخواهد داشت. به طور قطع اگر ترکیه با به رسمیت شناختن حقوق کردها با آنان متحد می‌شد رژیم جنایتکار بشار اسد خیلی سریع سقوط می‌کرد و شرایط برای رشد گروه‌هایی مثل

به همین دلیل است که ویتنامی‌ها با آنکه هیچ شانس در مقابله با نیروهای آمریکایی نداشتند اما حمایت نظامی و مالی شوروی این امکان را به آنان می‌داد که به جنگ با قدرت اول جهان ادامه بدهند و عملاً بمباران‌های ویرانگر آمریکا جز تلفات انسانی تأثیری بر روند جنگ و کاهش توان نظامی کومونیست‌ها نداشت چرا

مخالفان رژیم بشار اسد هستند را وجود بازیگران خارجی با منافع متضاد در جنگ داخلی سوریه اوضاع را کاملاً پیچیده کرده و هنوز امیدی به پایان این جنگ در آینده نزدیک وجود ندارد، قسمت کوچکی از جنوب سوریه در کنترل مخالفان دولت است که مورد حمایت آمریکا هستند و قسمتی از شمال غربی سوریه

مختار نقشبندی

جنگ ویتنام یکی از طولانی‌ترین، خونین‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن گذشته نمونه بزرگی از جنگ نیابتی بود، در ظاهر جنگ بین ویتنامی‌ها بود اما در واقع جنگ میان آمریکا و متحدانش با شوروی و چین برای نفوذ بیشتر در جهان بود که آمریکا با درگیری مستقیم در باتلاق ویتنام گیر افتاد و جز صدها میلیارد دلار هزینه و تلفات انسانی هیچ دستاوردی نداشت، از آن زمان هر کشوری در جنگی پرهزینه و طولانی گرفتار شود روزنامه‌نگاران و کارشناسان آن را به جنگ ویتنام تشبیه می‌کنند و از واژه ویتنامی شدن استفاده می‌کنند، البته در همه مواردی که از لغت ویتنامی شدن استفاده شده نتیجه مشابه ویتنام نبوده مانند جنگ آزاد سازی کویت که صدام حسین ادعا می‌کرد که آمریکا در ویتنامی دیگر گرفتار خواهد شد اما آمریکا و متحدانش در ۴۲ روز پیروز مطلق جنگ شدند! از لغت ویتنامی شدن در جنگ‌های نیابتی خاورمیانه هم استفاده شده است که بسیاری از آنها تنها یک تعارف و برای مهیج کردن خبرها و تحلیل‌ها بوده است مانند جنگ یمن که بعضی روزنامه‌نگاران آن را به ویتنامی برای عربستان تشبیه می‌کنند اما در خاورمیانه جنگ داخلی سوریه بیشتر به جنگ ویتنام شبیه است، ویتنامی برای ایران و ترکیه، در این مقاله چالش‌ها و مشکلات ایران و ترکیه و گیر افتادن آنان در باتلاق سوریه را بررسی خواهیم کرد. در سال ۲۰۱۱ تصور بر این بود که مردم سوریه همچون چندین کشور دیگر عربی در مدت زمان کوتاهی رژیم دیکتاتوری را سرنگون خواهند کرد اما با حمایت مستقیم ایران و گروه‌های شبه نظامی وابسته به ایران از رژیم بشار اسد و حمایت روسیه که بعداً به حمایت مستقیم نظامی تبدیل شد رژیم سوریه نه‌تنها سرنگون نشد بلکه با وحشی‌گری تمام موفق شده است که مجدداً بیشتر خاک سوریه را کنترل کند البته به قیمت آواره شدن میلیون‌ها نفر و ویرانی شدید بخش بزرگی از سوریه. وجود بازیگران خارجی با منافع متضاد در جنگ داخلی سوریه اوضاع را کاملاً پیچیده کرده و هنوز امیدی به پایان این جنگ در آینده نزدیک وجود ندارد، قسمت کوچکی از جنوب سوریه در کنترل مخالفان دولت است که مورد حمایت آمریکا هستند و قسمتی از شمال غربی سوریه